

بررسی و تحلیل ادله لزوم استیذان از زوج در حج مستحبی زوجه

سکینه رستگار مقدم ابراهیمیان

گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه:

rs.rastegar@cfu.ac.ir

چکیده

هدف از این پژوهش آن است که ادله لزوم استیذان از زوج در حج مستحبی زوجه را مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. این پژوهش با روش مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است که با مراجعه به ادله فقهی اطلاعات لازم به دست آمده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بررسی ها حاکی از آن است که چند گروه از ادله بر لزوم استیذان از زوج در حج مستحبی زوجه مورد استناد قرار گرفته اند. برخی روایات و ادله عام قرآنی مانند آیه ۲۲۳ سوره بقره و آیه ۳۴ سوره نساء بر لزوم رعایت حق استمتاع زوج تاکید دارد و لذا اگر رفتاری مانند حج مستحبی زوجه در تعارض با آن باشد، منهی عنه است. ادله روایی عامی نیز بر لزوم توجه به حق استمتاع زوج دلالت دارد و سخن از عدم تعلق نفقه به زنی که بدون اجازه همسرش از منزل خارج شده دلالت می کند. بررسی و تحلیل ادله خاص و عام پژوهشگر را به این مهم رهنمون کرد که ادله خاص (روایات) برای اثبات نیاز به اذن شوهر در انجام این فریضه به علت ضعف سندی یا اشکال دلالتی ناکافی به نظر می رسد. ادله عام که بر حرمت خروج زن از منزل دلالت می کند به نحو «اطلاق» نیست بلکه تنها خروج «قهرگونه» و «خروج بی بازگشت» حرام و ممنوع است و در حج مستحبی که نه «حالت قهر» وجود دارد و نه «قصد عدم بازگشت» لذا نمی توان حرمت خروج زوجه را قائل شد.

واژگان کلیدی: حج مستحبی، استیذان، حق استمتاع، حرمت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر.

مقدمه

انجام اعمال عبادی به خصوص فریضه انسان ساز و روحانی «حج» همواره مورد تاکید دین مبین اسلام و مورد توجه عموم مسلمانان و مشتاقات بیت الله بوده و هست. در خصوص انجام فریضه حج توسط بانوان در حجه الاسلام مشهور میان فقیهان عدم لزوم استیذان است لکن در حج مستحبی اختلاف نظرهای میان فقیهان وجود

دارد. حج مستحبی حجتی است که هیچ دلیل ذاتی یا عارضی برای وجوب آن نباشد. با توجه به عبادی بودن حج، اصل اولی آن مستحب بودن است. صاحب جواهر بعد از بیان اسباب وجوب حج (وجوب به اصل شرع که از آن با حجة الاسلام یاد میشود و وجوب به سبب نذر، استیجار و...) میگوید: «حجتی که این عناوین وجوب بر آن صادق نباشد، اگر مصداق کار حرام یا مصداق کراهت نباشد، متصف به استحباب است.» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۲۱۹) باتوجه به اینکه حج مستحبی نیز از جمله مسائلی است که به صورت موقت زوجه را زوج دور می نماید و خود نیز مصداقی از خروج زوجه از منزل محسوب میشود لذا حق استمتاع زوج در کانون توجه قرار می گیرد که چنین عمل عبادی با حق مسلم زوج در تعارض و تنافی قرار نگیرد. از آنجا تاکنون که بررسی ادله ی مساله در پژوهشی مستقل انجام نیافته است لذا لازم و ضروری است تا ادله ی مساله در قالب استنباطی – اجتهادی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر این است: « ادله لزوم استیذان از زوج در حج مستحبی زوجه چیست و چه دلالتی دارند؟» برای پاسخ به این پرسش ادله روایی و دیدگاه فقیهان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در نهایت دیدگاه برگزیده تبیین می گردد.

۱-روایات خاص

لزوم کسب اجازه از سوی زن برای انجام حج مستحبی و نهی از انجام حج بدون اذن شوهر تنها در تعداد محدودی از روایات ذکر شده است. ممکن است علت کم تعداد بودن این روایات به این مسئله بازگردد که در زمان صدور آنها، امکان ادای حج مستحبی بدون کسب اجازه شوهر به سادگی وجود نداشته است. به عبارتی، این حکم رایج و فراگیر نبوده و از همین رو، معصومان درباره آن کمتر مورد پرسش قرار گرفته اند. با این حال، این موضوع در برخی روایات مورد اشاره قرار گرفته و نیازمند بررسی دقیق تر است. روایاتی که به بیان این مسئله پرداخته اند به شرح زیر است.

۱-۱-روایت جابر بن یزید جعفی

«محمد بن ع- بن الحسین فی الخصال عن أحمد بن الحسن القطان عن حسن بن ع- العسكري عن محمد بن زکریا الب- ی عن جعفر بن محمد بن ع- رة عن أبيه عن جابر بن یزید الجعفی قال سمعت ابا جعفر محمد بن ع- الباقر یقول: ... «و لا یجوز ان تحج تطوعا الا باذن زوجها.» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۲۲) جابر بن یزید جعفی می گوید از امام باقر (ع) شنیدم که آن حضرت می فرمایند: «جایز نیست زن بدون اذن شوهر حج استحبابی به جا آورد.»

بررسی و تحلیل روایت:

این روایت از نظر سندی بخاطر وجود ابن عماره و پدر وی که وضعیت آنها برای رجالیون ناشناخته است محل اشکال است. همچنین در خصوص جابر بن یزید جعفی نیز اختلاف نظرهای وجود دارد (خویی، ۱۳۷۱ش، ج ۴، ص ۱۸) که در نتیجه برخی فقیهان مانند علامه حلی در توثیق این روایت توقف کرده (علامه حلی، ۱۴۱۷، ص ۳۶) و رای به توثیق آن نداده اند. البته از نظر دلالتی این روایت به صورت صریح و با ادبیات «لایجوز» که صریح در نهی است از ادای حج مستحبی زوجه بدون اذن زوج نهی می کند. لکن به علت ضعف سندی نمی توان به این روایت برای استنباط حکم شرعی بسنده کرد.

۱-۲-روایت اول معاویه بن عمار

«محمد بن الحسن بإسناده عن موسی بن القاسم عن صفوان عن معاویة بن عمار عن أبي عبد الله قال: لا تحج المطلقة فی عدتها.» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۱۵۹) معاویه بن عمار از امام صادق (ع) نقل می کند که حضرت فرمودند: «زن مطلقه در عده اش حج انجام ندهد.»

بررسی و تحلیل روایت:

از نظر سندی این روایت نه تنها هیچ مشکلی ندارد بلکه همه روایان آن ثقه، امامی و از اجلاء هستند. از نظر دلالتی نیز این روایت از ادای حج زوجه بدون اذن زوج در ایام عده نهی صریح کرده است و باتوجه به این از صیغه مضارع استفاده کرده است آكد در نهی است. با این توضیح که مطلقه رجعیه، زوجه محسوب می شود و زوجه طبق ادله خاص برای خروج از منزل نیاز به اذن شوهر دارد و لذا حج مستحبی که مستلزم خروج است باید با اذن زوج باشد و به همین خاطر امام(ع) از خروج مطلقه رجعیه در عده برای حج مستحبی نهی کرده است.

۳-۱- روایت دوم معاویه بن عمار

«حمید بن زیاد عن ابن سماعه عن محمد بن زیاد عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله: قال: سمعته يقول: الْمُطَلَّقةُ تَحُجُّ فِي عَدَّتِهَا إِنْ طَابَتْ نَفْسُ رَوْجِهَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۹۱) از امام صادق (ع) شنیدم که می فرماید: مطلقه در مدت زمان عده در صورت رضایت شوهرش می تواند به حج رود».

بررسی و تحلیل روایت:

این روایت از نظر سندی مشکلی ندارد و همگی روایان آن مورد وثوق هستند. فقط در خصوص حمید بن زیاد و حسن بن محمد بن سماعه مباحثی بین رجالین وجود دارد لکن علیرغم واقعی بودن آنها از سوی اصحاب رجال توثیق شده اند (علامه حلی، ۱۴۱۷، ص ۵۹ و ۲۱۲) بنابراین، خبر مذکور در عداد روایت موثق قرار دارد و از حیث سندی قابل اعتماد است. از نظر دلالتی نیز این روایت بیانگر جواز ادای حج توسط مطلقه البتة مشروط به اذن زوج وی می باشد. چرا که امام(ع) به صراحت انجام حج توسط مطلقه رجعیه را مشروط به «إِنْ طَابَتْ نَفْسُ رَوْجِهَا» رضایت شوهر کرده اند بنابراین اگر وی راضی نباشد و اذن برای حج ندهد، مطلقه رجعیه که حکم زوجه را دارد نمی تواند به حج مستحبی برود.

۴-۱- روایت محمد بن مسلم

«الحسين بن سعيد عن صفوان بن يحيى عن العلاء عن محمد بن مسلم عن أحدهما (ع) قال: المطلقة تحج في عدتها. (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۱۷). زن مطلقه در عده اش می تواند حج انجام دهد».

بررسی و تحلیل روایت:

از نظر سندی این روایت نیز جزء روایات صحیحه است و روایان آن همگی امامی و جلیل القدر هستند. لکن از نظر دلالتی باید توجه داشت این روایت در خصوص لزوم یا عدم لزوم اذن زوج برای زوجه در حج سکوت کرده است و صرفاً بیانگر جواز انجام حج توسط زن مطلقه در ایام عده است. بنابراین به صرف این روایت نمی توان در محل بحث استناد کرد مگر اینکه شاهد روایی دیگری این اطلاق را توضیح و تقیید نماید.

۵-۱- روایت اسحاق بن عمار

«محمد بن الحسن بإسناده عن مو □ بن القاسم عن ابن جبلة عن إسحاق بن عمار، عن أبي الحسن (عليه السلام) قال سألته عن المرأة الموسرة قد حجت حجة الاسلام تقول لزوجها: أحجني من مالي، أله أن يمنعها من ذلك؟ قال: نعم، ويقول لها: حقي عليك أعظم من حقك علي في هذا؛ إسحاق بن عمار نقل می کند از امام کاظم(ع) پرسیدم: زن ثروتمندی که حج واجب را به جا آورده، از شوهرش می خواهد او را از مال خودش به حج برد، آیا شوهر می تواند زن را منع کند؟ فرمود: آری، شوهر به زن می گوید: حق من بر تو از حق تو بر من در این باره عظیم تر است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۱۵۶).

بررسی و تحلیل روایت:

از نظر سندی این روایت از شیخ طوسی و ایشان از مشایخ خود تا موسی بن قاسم و ایشان نیز از ابن جبلة و ابن جبلة نیز از اسحاق بن عمار که این طریق مورد توثیق قرار گرفته است. چرا که هر چند «عبدالله بن جبلة» واقعی مذهب بوده است لکن در راستگویی وی تردیدی نشده است و فقیه بزرگی همچون علامه حلی وی را توثیق کرده است (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۳۷). اما در خصوص دلالت حدیث باید توجه کرد موضوع پرسش راوی در این حدیث در خصوص زنی است که از شوهرش می خواهد وی با مال خودش به حج ببرد، که امام (ع) در پاسخ چنین امری را بر زوج لازم نمی دانند. بنابراین موضوع حدیث با موضوع محل بحث متفاوت است چرا که فرض سوال در جایی است که زنی تقاضای انجام حج از مال شوهر دارد لکن در خصوص اذن یا عدم اذن شوهر سخنی به میان نیامده است همچنین این روایت در خصوص فردی خاص است و به اصطلاح «قضیه فی واقعه» است و قابل سرایت به عموم زنان و استنباط حکم کلی ندارد.

جمع بندی روایات

آنچه که از مجموع پنج روایت پیش گفته حاصل می شود این است در خصوص زن مطلقه که در عده می باشد انجام حج متوقف و مشروط بر اذن زوج است لکن این حکم در خصوص زن مطلقه است و در خصوص غیر مطلقه روایات دلالتی ندارند. هرچند برخی فقیهان با این استدلال که مطلقه رجعی، زوجه محسوب می شود و لذا اذن زوج برای زوجه چه مطلقه باشد چه غیر مطلقه لازم و ضروری است (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۲۸) لکن به نظر این استدلال صحیح نیست زیرا با توجه به ماهیت عده و فلسفه عده در طلاق رجعی که شارع مقدس این مدت را برای آن گذاشته است که اگر زوجین از طلاق سابق پشیمان شدند راهی برای بازگشت به زندگی مشترک داشته باشند لذا بودن زن در منزل موضوعیت دارد و لذا وضعیت مطلقه رجعیه وضعیت خاص و انحصاری است و نمی توان آن را به تمام زنان سرایت داد. و در خصوص اسحاق بن عمار، فرض سوال در جایی است که زنی تقاضای انجام حج از مال شوهر دارد لکن در خصوص اذن یا عدم اذن شوهر سخنی به میان نیامده است همچنین این روایت در خصوص فردی خاص است و به اصطلاح «قضیه فی واقعه» است و قابل سرایت به عموم زنان و استنباط حکم کلی ندارد.

۲-دیدگاه فقیهان

۱-لزوم اذن زوج

گروهی از فقیهان بر این باورند که زوجه جهت انجام حج مستحبی باید از زوج خود اجازه بگیرد و صحت حج او منوط به کسب رضایت و اذن زوج اوست. (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۹۵؛ مؤمن سبزواری، بی تا، ج ۲، ص ۵۶۴؛ شهید اول، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۶۰؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۳۳؛ آملی، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۵۴؛ خویی، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۹) برخی فقیهان نیز ادعای عدم الخلاف در لزوم اذن زوج برای حج مستحبی زوجه کرده اند. (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۸، ص ۳۸۸؛ نجفی، ۱۳۷۶، ج ۱۷، ص ۳۳۳).

۲-امکان منع و عدم لزوم اذن

برخی فقیهان مستند به روایت اسحاق بن عمار که آمده است: «أله أن يمنعها من ذلك؟ قال: نعم» اینگونه استدلال کرده اند که طبق این روایت زوج حق منع از حج مستحبی را دارد لکن اذن گرفتن از زوج لازم نیست. به عبارت دیگر اگر زوج منع از حج مستحبی زوجه کرد زن نباید به حج برود لکن اگر منعی نکرد اجازه گرفتن از وی لازم نیست. (ر.ک: موسوی عاملی، ج ۷، ص ۹۱؛ محقق نراقی، ج ۱۱، ص ۹۲؛ مرتضوی، درس خارج فقه، ۱۳۸۷/۱۱/۱۵) و «منع» اعم از «اذن» است، و این روایت فقط دلالت بر این مطلب دارد که زوج حق «منع» کردن دارد ولی دلالت بر اینکه «اذن» شرط است، ندارد.

جمع بندی دیدگاه فقیهان

به نظر می رسد با توجه به عبارت برخی فقیهان که گفته اند: «و اما الخروج من البيت لغير حجه الاسلام فيعتبر فيه الاذن» (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۲۸) منشا و دلیل فتوای فقیهان به لزوم اذن زوج برای حج مستحبی زوجه، عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر و همچنین تنافی خروج زوجه با حق استمتاع زوج است. از این رو برخی فقیهان تصریح کرده اند دلیل لزوم اذن زوج برای زوجه در حج مستحبی، حرمت خروج زن از منزل بدون اذن زوج است (خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۹۶). مرحوم میرزا جواد تبریزی از مراجع معاصر نیز مساله لزوم استیذان زوجه از زوج را بخاطر تنافی با حق استمتاع زوج دانسته و معتقدند: اگر با حق استمتاع زوج منافاتی ندارد اشکالی ندارد. (تبریزی، بی تا، ج ۴، ص ۲۸۰). برخی فقیهان نیز عدم استیذان را باعث ارتکاب حرام دانسته و لکن حج مستحبی زوجه بدون استیذان را صحیح دانسته اند (مکارم شیرازی، استفتائات: <https://www.makaremshirazi.net/main.aspx?typeinfo=214677>)

۱) بنابراین باید ادله عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر را مورد بازخوانی قرار داد. این مهم در قالب «ادله عام» مورد بررسی و تحلیل قرار داده می شود.

۳- ادله عام

در مساله مورد بحث روایات و ادله عام وجود دارد که خروج زوجه از منزل را متوقف بر اذن زوج می داند و از آنجا که لازمه ادای حج مستحبی، خروج از منزل است لذا این ادله نیز می تواند به عنوان دلیل عام در مساله مورد استفاده قرار گیرد.

۱- ۳- آیه ۲۲۳ سوره بقره

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لَأَنفُسِكُمْ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (بقره: ۲۲۳) زنان شما کشتزار شما هستید، هر زمان و هر کجا که خواستید به کشتزار خود در آید. و [با رعایت حقوق یکدیگر، و حفظ عفت و پاکی، در سایه زناشویی و تولید نسلی پاک و شایسته و صالح، خیر و ثوابی] برای خودتان پیش فرستید، و از خدا پروا کنید، و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد، و مؤمنان را بشارت ده.

آنچه که مهم است بررسی واژه «أَنَّى» است. این واژه، در برخی موارد به معنای مکان یا کیفیت و گاه به معنای زمان استفاده شده است. این منظور در کتاب «لسان العرب» درباره واژه «أَنَّى» توضیح داده است که این واژه به معنای «أَيْنَ» (کجا) می آید؛ مانند عبارتی که می گوید: «أَنَّى لَكَ هَذَا»، یعنی «از کجا برای تو آمده». همچنین، این واژه گاه به معنای «کیف» (چگونه) نیز به کار می رود؛ مانند جمله ای که می گوید: «أَنَّى لَكَ أَنْ تَفْتَحَ الْحِصْنَ»، یعنی «کیف لک ذلک: چگونه برای تو ممکن است» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۶۳۸).

در «مفردات راغب» نیز آمده است که «أَنَّى» برای جست و جو از حالت و مکان به کار می رود و بر همین اساس، معنای «چگونه» و «کجاست» را در بر می گیرد؛ زیرا هر دو معنا را پوشش می دهد. نمونه قرآنی این

۱ - پرسش: اگر زنی بدون اجازه شوهر به حج یا عمره مستحبی برود، آیا فقط گناه کرده، یا اعمالش نیز باطل است؟ و آیا چنین زنی حق دارد محرم شود، یا باید بازگردد؟

پاسخ: چنین زنی مرتکب گناه شده و باید به وطن بازگردد، ولی اگر محرم شود و حج یا عمره بجا آورد، حج و عمره اش صحیح است. (مکارم شیرازی،

کاربرد را می‌توان در آیه‌ای از سوره آل عمران مشاهده کرد: «... أَتَى لَكَ هَذَا»، یعنی «از کجا یا چگونه برای تو حاصل شده». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۹۶) این معنا توسط راغب اصفهانی نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «عبارت "أتى" در زبان عربی به‌عنوان اسمای شرط مورد استفاده قرار می‌گیرد و معمولاً در موارد زمان یا مکان به کار می‌رود. گاه این واژه می‌تواند به معنای زمان یا مکان اطلاق شود، همان‌گونه که در آیه شریفه آمده است: «قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» (آل عمران: ۳۷). اگر "أتى" در این آیه به معنای مکان باشد، مفهوم آن "از هر جایی که بخواهید" خواهد بود، و اگر به معنای زمان مورد استفاده قرار گیرد، مفهوم آن "در هر زمانی که بخواهید" است. در هر حالت، این واژه دارای اطلاق است، و به‌ویژه زمانی که با واژه "سنتم" همراه باشد، این اطلاق تقویت می‌شود. این اطلاق باعث می‌شود که فعل امر در کلام خداوند متعال در بخش «فَأْتُوا حَرْثَكُمْ» الزام‌آور نباشد و دلالت بر وجوب ننماید؛ چرا که ارجاع امر به اختیار مکلف، مفهوم وجوب را از آن سلب می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۲۱۳).

بنابراین، فارغ از اینکه "أتى" به معنای مکان باشد یا زمان یا هر دوی آن‌ها، نکته اساسی وجود اطلاق معنا در این واژه است. همچنین در آیه شریفه، منتفع شدن زوج از زوجه وابسته به اراده عملی زوج است؛ بدین معنا که هر زمان و هر مکانی که زوج قصد واقعی برای بهرمگیری از زوجه داشته باشد، این امر شرعاً برای او مجاز است، مگر اینکه زمان یا مکانی خاص وجود داشته باشد که شارع از آن نهی کرده باشد مانند مقاربت در ایام حیض یا در مکان مقدس مثل مسجد.

به بیان دیگر، آیه شریفه تأکید می‌کند که ملاک اصلی در بهرمبرداری از حق استمتاع، اراده زوج است؛ اراده‌ای که می‌تواند در هر زمان یا مکان به فعلیت برسد و هیچ جنبه تعبدی در این مسئله وجود ندارد. بنابراین، اگر زوج در زمانی معین اراده فعلی برای بهرممندی از زوجه نداشته باشد یا امکان تحقق اراده برای او فراهم نباشد، بر زوجه ولایتی نخواهد داشت و وظیفه‌ای مبنی بر تمکین بر عهده زوجه نخواهد بود. به همین دلیل، در چنین شرایطی زوج آزادی انجام فعلی را دارد که با وظیفه تمکین ارتباطی ندارد و نیازی به گرفتن اجازه از زوج نیست. .. مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «این آیه درباره عقیده‌های ناصحیح که یهود درباره کیفیت آمیزش و اثر آن داشتند نازل شد و حلیت آمیزش را در صورت‌های مختلف بیان نمود پس از آنکه خداوند احوال زنان در حال عادی و عادت بیان نموده بدنبال آن میفرماید: «يَسْأَلُكُمْ حَرْثُكُمْ...» در معنای این جمله سه قول است: ۱- زنان کشتزار شمایند (ابن عباس و سدی) ۲- زنان صاحب کشتند برای شما که فرزند و لذت از آنان بدست می‌آورید (زجاج) ۳- زنان مانند کشت‌اند برای شما (فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَتَى شَيْئَكُمْ...) - در آئید به کشت خود از هر جا و یا بهر کیفیت که خواستید. مالک باین آیه استدلال کرده است بر جواز آمیزش از غیر راه طبیعی با زنان در حال حیض و نافع از ابن عمر و زید بن اسلم از محمد بن منکدر و به همین مطلب نقل کرده است ولی بسیاری از فقها با این مطلب مخالفت کرده و گفته‌اند قرآن تعبیر به «حرث» (کشت) کرده پس باید آمیزش بطور عادی باشد که سبب نسل گردد و بآن «حرث» گفته شده (وَقِيمُوا أَنْفُسَكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ...) - برای خویش اعمال صالحه‌ای که مأمور بآنها ترغیب شده‌اید پیش فرستید تا اینکه ذخیره‌ای برای شما باشد و بسبب ترك تجاوز از حدودی که برای شما بیان شده است از خدا بترس. (طبرسی، ۱۴۱۵، ص ۸۸-۸۹)

جصاص نیز در کتاب «احکام القرآن» پس از بررسی اقوال می‌نویسد: «وظاهر الكتاب يدل على أن الإباحة مقصورة على الوطء في الفرج الذي هو موضع الحرث، وهو الذي يكون منه الولد. (جصاص، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۲۷) و لذا وی معتقد است فقط وطی از فرج مباح است.

البته آیه نیز دلالت دارد بر اینکه زوج موظف است در هر زمان یا مکانی که امکان تحقق اراده زوج برای بهرممندی وجود دارد، حاضر و در دسترس باشد تا بتواند به زوج تمکین کند. بنابراین، اگر زوج در مکانی

حضور داشته باشد که شرایط تحقق اراده تمتع موجود باشد، زوجه نیز موظف است در همان محل حضور یابد، حتی اگر زوج در آن لحظه اراده فعلی برای تمتع نداشته باشد. زیرا نبود زوجه در چنین مکانی امکان تحقق اراده زوج را عملاً از بین می‌برد. به بیان دیگر، در این فرض، زوجه عامل عدم تحقق اراده زوج محسوب می‌شود.

نتیجه اینکه در مساله مورد بحث اگر زوج اراده تمتع از زوجه را نداشته باشد و با موانعی مانند بیماری که امکان تمتع از زوجه را از او سلب کرده، یا مفارقت روحی و عدم تمایل او به زوجه خود که در مدت معتناهی آن را نمایان کرده است در این صور مساله با چالش روبرو می‌شود به بیان دیگر وقتی زوج مطالبه حق استمتاع خود از زوجه را ندارد، زوجه نیز تکلیفی ندارد بلکه استمتاع و بهره‌وری جنسی باید از سوی زوج باشد و اگر او نخواهد زوجه نمی‌تواند خود را بر او تحمیل کند. بنابراین آنچه که تکلیف زوجه است آن است که مانعی بر ای استمتاع زوج از خود ایجاد ننماید لکن اگر زوج استتماعی نخواهد زوجه تکلیفی ندارد.

۳-۲-آیه ۳۴ سوره نساء

دومین آیه که در محل بحث می‌تواند مورد استتشاف قرار گیرد آیه ۳۴ سوره نساء است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ ۚ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيرًا» و زنانی که از سرکشی و نافرمانی آنان بیم دارید [در مرحله اول] پندشان دهید، و [در مرحله بعد] در خوابگاه‌ها از آنان دوری کنید، و [اگر اثر نبخشید] آنان را [به گونه‌ای که احساس آزار به دنبال نداشته باشد] تنبیه کنید؛ پس اگر از شما اطاعت کردند برای آزار دادن آنان هیچ راهی مجوید؛ یقیناً خدا بلند مرتبه و بزرگ است.»

در این آیه، امر به موعظه، جدایی و حتی ضرب (البته در معنای خاص خود با این توضیح که در قرآن کریم هرگاه ضرب به طور مطلق و بدون حرف اضافه «ب» آمده باشد، به معنای زدن نیست) (روشن، ۱۳۹۳، ص ۲۴؛ ابوعطا و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۱-۱۳) مرتبط با حالتی است که خوف نشوز زوجه وجود داشته باشد. به وضوح مشخص است که تحقق نشوز تنها در شرایطی ممکن است که زوج بخواهد حق استمتاع خود را اعمال نماید و از زوجه استمتاع جنسی بخواهد لکن زوجه ممانعت کند. لکن اگر زوج هیچ مطالبه‌ای برای حق استمتاع خود ننماید نشوز زوجه نیز بی‌معناست.

بررسی دقیق و تأمل در روایات نیز می‌تواند ما را به این نتیجه برساند که اراده بالفعل زوج برای استمتاع در این موضوع معیار اصلی است؛ به عنوان مثال در این زمینه، می‌توان به روایت صحیح محمد بن مسلم اشاره کرد. محمد بن مسلم از امام باقر (ع) نقل می‌کند ایشان فرمود: «زنی نزد رسول خدا (ص) آمد و پرسید حق زوج بر زنش چیست؟ حضرت (ص) فرمود: او را اطاعت کند و از او نافرمانی نکند... و نفس خود (بدن خود) را از او دریغ نکند حتی اگر بر پشت شتر سوار باشد». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۷)

بر اساس کلام حضرت، زوجه ملزم به رعایت حق استمتاع زوج است، مشروط بر اینکه امکان تحقق اراده زوج در این حق وجود داشته باشد. از این‌رو، تمکین زوجه در شرایطی که زوج امکان فعال‌سازی اراده خود را دارد، واجب دانسته شده است. بنابراین ملاک اصلی در این امر، فعلیت اراده زوج است؛ زیرا بدون اراده یا امکان تحقق آن، مسئله معنایی نخواهد داشت.

بنابراین شارع مقدس، حق استمتاع زوج را بر اساس فعلیت و تحقق اراده او بنا نهاده است. لذا زوجه موظف است در هر زمان و مکانی که زوج این اراده را داشته باشد، تمکین کند. این امر در افعالی مانند حج مستحبی نیز جریان دارد و لذا استیذان از زوج برای انجام حج مستحبی لازم و ضروری است.

۳-۳- روایت سکونی

سومین دلیل بر لزوم اذن زوج برای خروج زوجه از منزل روایت سکونی است. روایت به شرح زیر است: «عَلَى بْنِ إِبرْهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): أَيْمًا امْرَأَةً خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَلَا نَفَقَةَ لَهَا حَتَّى تَرْجِعَ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۳۹) امام صادق (عليه السلام) فرمود: رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فرموده است: هر زنی که بدون اجازه همسرش از خانه خارج شود تا زمانی که بر گردد، نفقه‌ای برایش نیست».

این روایت از نظر سندی موثق است و از حیث سندی اشکالی ندارد. لکن از نظر دلالتی باید توجه داشت موضوع اصلی این حدیث عدم الزام در پرداخت نفقه در صورت خروج زن بدون اجازه است. در این گفتار شریف، به طور مستقیم از ممنوعیت خروج بدون اجازه سخنی به میان نیامده است؛ به این معنا که ممکن است حکم وضعی سقوط نفقه برای زن وجود داشته باشد، اما حکم تکلیفی حرمت خروج مطرح نباشد. این نوع حکم نیازمند بیان صریح، مستقل و جداگانه است. برای مثال، یکی از اهداف احکام وضعی شاید اعمال فشار بر زوجه باشد تا او طبق تشخیص خود از خروج بدون اجازه از منزل خودداری کند. همچنین، چنانچه زن از منزل خارج شود و نتواند به وظایف زناشویی خود رسیدگی کند، ممکن است حق دریافت نفقه را از دست بدهد. لکن از دست دادن حق نفقه تلازمی با حرمت خروج یا بطلان اعمال عبادی که در خارج از منزل انجام می‌دهد ندارد. چرا که در اینجا به صراحت نهی از «خروج» نشده است بلکه از عدم تعلق نفقه سخن به میان آمده است و در خصوص حرمت خروج و یا لزوم استیذان این روایت «ساکت» است و دلالتی ندارد.

یکی از ایرادات اصلی استناد به چنین روایاتی این است که معمولاً این روایات ناظر به شرایط خاص فرد سؤال‌کننده بوده‌اند و به تعبیر فقهی «قضية في الواقعة» است که امکان سرایت به همگان را ندارد. بنابراین نمی‌توان از سخنان ائمه (ع) حکمی کلی استنتاج کرد، بلکه این دستورات غالباً در پاسخ به توضیحات سؤال‌کننده درباره شرایط زندگی‌اش صادر شده‌اند. در چنین مواردی ممکن است معصوم (ع) آمادگی معنوی بالایی را در شخص مشاهده کند و او را به پیروی از برخی توصیه‌های اخلاقی یا دستورات مختص به وضعیت شخصی وی هدایت کند و لذا استنباط حکم کلی مشکل به نظر می‌رسد.

۳-۴- ادله حرمت خروج زوجه از منزل

یکی دیگر از ادله عامی که در محل بحث مورد استناد قرار گرفته است ادله حرمت خروج زوجه از منزل است. برخی فقیهان نظر به اطلاق حرمت خروج زن از منزل بدون اذن همسر دارند حتی اگر با حق استمتاع شوهر نیز منافاتی نداشته باشد (تبریزی، ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۲۶۳) مهمترین دلیل این فقیهان «اجماع» یا «عدم الخلاف» است که با توجه به اینکه مستند مساله «روایات» است این اجماع مدرکی و فاقد حجیت است. در خصوص روایت گذشته از روایات ضعیف (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۴۰) دو دسته روایات وجود دارد. دسته اول مانند صحیح محمد بن مسلم است. محمد بن مسلم از امام باقر (ع) نقل می‌کند ایشان فرمود: «زنی نزد رسول خدا (ص) آمد و پرسید حق زوج بر زنش چیست؟ حضرت (ص) فرمود: او را اطاعت کند و از او نافرمانی نکند... و نفس خود (بدن خود) را از او دریغ نکند حتی اگر بر پشت شتر سوار باشد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۷) لکن در این روایت، معصوم (ع) به وظایف الزام‌آور زن در قبال شوهر پرداخته‌اند و تمام پنج مورد ذکر شده در این زمینه قرار دارند. ایراد اصلی استنباط از دلالت این روایت آن است که پیامبر (ص) در اینجا قصد بیان جزئیات این حق را نداشته‌اند. یکی از شواهد این امر آن است که اطاعت از شوهر نیز در این روایت به عنوان یکی از حقوق واجب مطرح شده است، در حالی که می‌دانیم اطاعت از شوهر یک حق مستقل یا مطلق برای او محسوب نمی‌شود. بلکه آنچه در ادله آمده است مجموعه‌ای از حقوق برای زوج است و اطاعت از

شوهر به عنوان یک حق جداگانه مطرح نشده است. بنابراین، اگرچه این روایت می‌تواند به حق مستقل شوهر در موضوع خروج زن از منزل اشاره داشته باشد، اما نمی‌توان اطلاق آن را از متن روایت استنباط کرد.

دسته دوم روایت سکونی است. که پیش‌تر در خصوص دلالت آن اشکال گردید که در خصوص عدم تعلق نفقه است و اما حکم تکلیفی حرمت خروج مطرح نباشد. این نوع حکم نیازمند بیان صریح، مستقل و جداگانه است.

لکن برخی دیگر از فقیهان تنها خروج منافی با حق استمتاع شوهر را مقید به اذن شوهر کرده‌اند. این گروه از فقیهان لزوم استیذان از زوج برای خروج از منزل را حق مستقلی نمی‌دانند (خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۰، ص ۱۰۰). محقق حلی نیز از خروج زن از منزل سخنی نگفته و فقط مسافرت بدون اذن شوهر را منع کرده است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۹۲) که این سخن نشانگر آن است که وی تنها خروجی را که با حق استمتاع شوهر منافی است حرام می‌داند.

دیدگاه برخی از فقیهان معاصر بر «منع خروج بدون مصلحت» است (علیدوست، ۱۳۹۰، ص ۳۵). در دین اسلام، اصل بر این است که تمام اعمال انسان جایز و مباح باشند. از سوی دیگر، بر اساس قاعده سلطنت (الناس مسلطون علی اموالهم و الناس مسلطون علی ما لهم)، هر فرد اختیار کامل بر نفس خود دارد؛ موضوعی که از مضمون این قاعده نیز برداشت می‌شود. اسلام، انسان را موجودی آزاد و مختار می‌داند که اگر از چارچوب‌های شریعت خارج نشود، بر تمام شئون خود تسلط دارد و هیچ‌کس حق ایجاد محدودیت برای او را ندارد، مگر اینکه دین به‌طور مشخص چنین محدودیتی را برای او مقرر کرده باشد. بر همین اساس، محدود کردن زن در انجام برخی امور، مانند خروج از منزل، تنها زمانی قابل قبول است که دلیل شرعی معتبر برای آن وجود داشته باشد. البته همان‌طور که اشاره شد، دلایل شرعی در این زمینه وجود دارد، اما نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت، اگرچه درباره حدود دلالت این دلایل اختلافاتی مطرح است.

آن‌چنان که بیان شد، اصلی‌ترین استناد طرفداران نظر اول به روایاتی است که الزام به کسب اجازه زن برای خروج از منزل را مطرح می‌کنند. یکی از نقاط ضعف این روایات، کمبود تعداد آنها نسبت به گستردگی و عمومیت این مسئله در جامعه آن زمان است. شیوه برخورد شارع مقدس و اهل بیت با موارد ناپسند رایج در اجتماع، این‌گونه بود که هنگامی که می‌خواستند مردم را از انجام آن بازدارند، به‌اندازه گستردگی و شیوع آن مسئله، نهی خود را در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، با بیان‌های متنوع تکرار و بر اهمیت آن تأکید می‌کردند. این نوع مواجهه باعث می‌شد بازدارندگی لازم حاصل شود. نمونه‌هایی مانند برخورد با پدیده‌های انحرافی نظیر قیاس، رباخواری، میگساری و توصیه‌های مکرر به تقیه شاهد چنین رفتارهای تأکیدی هستند.

در مورد خروج زنان از منزل نیز، مسئله وقتی مطرح می‌شود که خروج‌های کوتاه‌مدت، مانند دیدار با همسایگان و بستگان، تا سفرهای بلندمدت را شامل شود. به‌ویژه در جامعه‌ای که بسیاری از مشاغل مانند تجارت، شبانی و جنگ نیازمند سفرهای طولانی بودند، این موضوع اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. با توجه به اینکه چنین شرایطی بخش قابل توجهی از زنان جامعه آن دوران را تحت تأثیر قرار داده بود، پرسش‌های بسیاری در این زمینه مطرح بود و مبینان شریعت می‌بایست با دقت و شفافیت به آن‌ها پاسخ دهند. شریعت هدف خود را از طریق روایات متعدد بیان کرده است. کم بودن قابل‌توجه تعداد روایات و نبود چنین پرسش‌ها و پاسخ‌هایی در میان احادیث می‌تواند نشان دهد که پیروان ائمه برداشت متفاوتی از مفهوم "خروج" در تعالیم ایشان داشته‌اند. یا اینکه از "خروج"، همان خروج بی‌بازگشت و بلندمدت را فهمیده‌اند یا تنها یک توصیف اخلاقی، بدون التزام فقهی، از سخنان آنان برداشت کرده‌اند. (ر.ک: علیدوست، ۱۳۹۰، ص ۳۵) بنابراین نمی‌توان به صورت مطلق هر خروجی را حرام تلقی کرد بلکه تنها خروج «قه‌رگونه» و «خروج بی‌بازگشت» حرام و ممنوع است.

مضافاً بر اینکه این حق (لزوم استیذان زوجه از زوج برای خروج از منزل) باید به گونه ای تفسیر شود که در مقابل آیاتی که محوریت مصالح خانواده را مورد توجه قرار داده است دچار تعارض نشوند. توضیح اینکه اگر مطلق خروج زن از منزل را متوقف بر استیذان از زوج بدانیم با آیاتی که مصالح خانواده را محور تصمیمات قرار داده است دچار تعارض می شود. احکام اسلامی، به ویژه احکام مربوط به معاملات و نکاح، با توجه به مصالح و مفاسد اجتماعی تدوین شده اند و این اصول در متن آیات قرآن و روایات مختلف موجود است. هنگام بررسی حکم شرعی، ضروری است که به این موارد توجه ویژه شود، زیرا در غیر این صورت ممکن است برخی از احکام در معرض ایراد تناقض یا سوء تفاهم قرار گیرند.

در این چارچوب، با آنکه حق مستقلی برای مدیریت رفت و آمد زن پذیرفته می شود (نه حقی که لزوماً با حق استمتاع تطابق داشته باشد)، این حق نباید جنبه اطلاق پیدا کند. به عنوان مثال، شوهر نمی تواند صرفاً بر اساس لجبازی، انگیزه های شخصی خارج از منافع خانواده، یا دلایلی که با مصالح زن و خانواده همسو نیستند، مانع خروج زن از خانه شود. تنها حق شخصی شوهر در این زمینه، حق استمتاع است که می تواند مانع از خروج زن شود.

این دیدگاه بر توجه به مصالح زن، زندگی زناشویی و کیان خانواده تأکید دارد و بحث خروج زن از منزل را در همین چارچوب محوری بررسی می کند. آیات مرتبط با این موضوع نیز جنبه روشنگری دارند و باید با دقت بیشتری نسبت به روایات مطلق موجود تحلیل شوند که در بیان اندیشه مختار مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد..

۷. دیدگاه مختار

به نظر می رسد آن گونه که برخی فقیهان مانند صاحب جواهر تصریح کرده اند، امکان منع زوج از برخی فعالیت های زوجه از جمله روزه و حج مستحبی، به ملاک مراعات حق استمتاع زوج است و تعبد خاصی وجود ندارد. صاحب جواهر به مسئله لزوم اذن شوهر برای روزه مستحبی پرداخته و اظهار می کند که اطاعت زن از شوهر در اموری که با استمتاع مرد منافات ندارد، واجب نیست. بر این اساس، روزه مستحبی زن صحیح تلقی می شود حتی اگر شوهر او مانع شود، مگر اینکه اجماع بر خلاف آن وجود داشته باشد. ایشان در ادامه به این نکته اشاره می کند که در صورت عدم تنافی روزه مستحبی زن با حقوق شوهر، چنین روزه ای مانعی ندارد (نجفی، ۱۳۷۶، ج ۱۷، ص ۱۳۱) محقق خویی نیز دلیل لزوم استیذان زوجه از زوج در حج مستحبی را حرمت خروج زن بدون اذن شوهر دانسته است (خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۹۶) لکن باید توجه داشت اطلاق این حق محل بحث و اشکال است. توضیح اینکه بر اساس آیات قرآن کریم معاشرت به معروف با همسر بر مردان واجب است. خداوند متعال در آیه ۱۹ سوره نساء می فرماید: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (ساء: ۱۹) و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید. واژه «معروف» یکی از مهم ترین آیات قرآنی است که به عنوان معیاری برای بسیاری از رفتارها در قرآن مطرح شده است. مفهوم معاشرت به معنای اختلاط و ارتباط (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۵۴۷؛ فیروزآبادی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۹۰) است، که با مصاحبت و گفت و گوی مستمر همراه می شود. علاوه بر این، معنای آمیزش داشتن به همراه استمرار صحبت تأکید دارد و «معروف» به همین معنا بیان شده و پسندیده شده از روی عقل، شرع و عرف است. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۴۰۴) این آیه شریفه تلاش دارد تغییر نگرش معرفتی و رفتاری جامعه نسبت به زنان را بیان کند. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه اشاره می کند که معنای معاشرت به معروف، نه تنها شامل روابط خانوادگی بلکه اصولی برای زندگی اجتماعی زنان نیز می شود. (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۴۰۴) این نوع معاشرت باید بر پایه اخلاق عقلانی و حکمت باشد.

در دیدگاه فقها، موضوعاتی مانند نوع لباس، محل سکونت، و خدمات منزل بر اساس قاعده معاشرت به معروف تعیین می‌شوند. (عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۱۹) همچنین اگر مرد، زن خود را بدون دلیل موجه یا به دلایلی خارج از مصالح خانواده از خروج از منزل منع کند، چنین رفتاری مخالف این آیه خواهد بود و حق خروج زن در چنین شرایطی محدود نمی‌شود. بدین ترتیب به نظر می‌رسد اطلاق برخی روایات در این زمینه توسط این آیه تخصیص می‌خورد.

یکی دیگر از ادله قرآنی که باید مورد توجه قرار گیرد آیه ۲۲۸ از سوره بقره است. این آیه شریفه نیز نکات مهمی را درباره حقوق و مسئولیت‌های زنان و مردان مطرح می‌کند. جمله «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» بیانگر وجود حقوق متقابل میان زنان و مردان است، اما در ادامه با اشاره به «وَاللِّرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» به اختلاف مسئولیت‌ها یا امتیازات میان آن‌ها پرداخته شده است که نیازمند تحلیل بیشتر است. مرحوم طبرسی این عبارت را جامع، پرمفعت، و شایسته تأمل عمیق دانسته است (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۷۵). این آیه به وضوح به برقراری توازن میان حقوق (لَهُنَّ) و مسئولیت‌ها و تکالیف (عَلَيْهِنَّ) اشاره می‌کند. نکته قابل توجه در این آیه آن است که محور کلام بر حقوق زنان استوار شده و برای آن معیار "معروف" تعیین شده است. بنابراین، بحث‌های مرتبط با آیه پیشین، تعارض احتمالی و همچنین نسبت آن با روایاتی که بر لزوم اجازه برای خروج زن از خانه تأکید دارند، در اینجا نیز مطرح می‌باشد و اندیشه اطلاق انگاری را دچار اشکال می‌نماید. همچنین با توجه به اینکه ادله خاص در خصوص لزوم استیذان زوجه از زوج بر انجام حج مستحبی دچار اشکالاتی می‌باشد لذا نمی‌توان به صورت مطلق سخن از لزوم استیذان گفت.

نتیجه گیری

در این پژوهش ادله لزوم اذن زوج در حج مستحبی زوجه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و نتایج زیر حاصل گردید:

۱- ادله خاص (روایات) مرتبط با حکم حج مستحبی زنان، برای اثبات نیاز به اذن شوهر در انجام این فریضه ناکافی به نظر می‌رسد.

۲- ادله عام در محل بحث نیز مانند آیه ۲۲۳ سوره بقره و آیه ۳۴ سوره نساء نیز ملاک اصلی در بهره‌برداری از حق استمتاع را اراده زوج دانسته است بنابراین اندیشه اطلاق انگاری استیذان از زوج دچار محدودیت می‌گردد.

۳- در صحیح محمد بن مسلم از امام باقر (ع) تمکین زوجه در شرایطی که زوج امکان فعال‌سازی اراده خود را دارد، واجب دانسته شده است بنابراین حق جدیدی برای زوج وضع نشده است و نمی‌توان از اندیشه اطلاق را مستند به این حدیث دفاع کرد.

۴- در روایت سکونی فقط حکم وضعی سقوط نفقه برای زن بیان شده است اما حکم تکلیفی حرمت خروج مطرح نیست بنابراین نمی‌توان به صرف این روایت رای به اندیشه اطلاق لزوم استیذان داد.

۵- در حج مستحبی که نه «حالت قهر» وجود دارد و نه «قصد عدم بازگشت» نمی‌توان حرمت خروج زوجه را قائل شد.

۱. قرآن کریم

۲. آملی، میرزا محمد تقی، (۱۳۸۰ق)، مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی، تهران: انتشارات مؤلف.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۴. ابو عطاء، محمد؛ تبریزیان حمید رضا، ذوالفقاری، سهیل، (۱۳۹۹)، ضرب زوجه به وسیله زوج در آیه ۳۴ سوره نساء؛ از مفهوم تا اجرا، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۲۲، فروردین ۱۳۹۹؛ صفحه ۷-۳۴.
۵. اراکی، محمد علی، (۴۱۴ق)، خيارات، قم: مؤسسه در راه حق.
۶. اشتهااردی، علی پناه، (۴۱۷ق)، مدارک العروه، تهران: دارالأسوة للطباعة و النشر.
۷. اصفهانی، محمد حسین، (۴۰۹ق)، الاجاره، قم: انتشارات جامعه مدرسين.
۸. تبریزی، جواد، (بی تا/الف)، التهذیب فی مناسک العمرة و الحج، بی جا: بی نا.
۹. تبریزی، جواد، (بی تا/الف)، صراط النجاة، بی جا: بی نا.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، (۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: انتشارات آل البيت.
۱۱. حکیم، محسن، (۴۱۶ق)، مستمسک عروة الوثقی، قم: دار التفسیر.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۷۶ش)، معجم رجال الحديث، تهران: امیرکبیر.
۱۳. خویی، سید ابوالقاسم، (۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، قم: مدینه العلم.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم، (۴۱۸ق)، موسوعة الامام الخوئی، قم: إحياء آثار الإمام الخوئی ره.
۱۵. خویی، سید ابوالقاسم، (بی تا)، معتمد عروة الوثقی، بی جا، بی نا.
۱۶. جصاص، احمد بن علی، (۴۱۵ق)، احکام القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۷. روشن، محمد، (۱۳۹۳)، حقوق خانواده، تهران: جنگل.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دار العلم.
۱۹. زین الدین، محمد امین، (۴۱۳ق)، کلمة التقوی، قم: انتشارات سید جواد وداعی.
۲۰. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، (۴۱۹ق)، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دار التعارف.
۲۱. سبزواری، سید عبدالاعلی، (۴۱۳ق)، مذهب الاحکام، قم: دفتر آیت الله سبزواری.
۲۲. شاهرودی، سید محمود، (بی تا)، کتاب الحج، قم: انتشارات مؤسسه انصاریان.
۲۳. شهید اول، محمد بن مکی، (۴۱۸ق)، اللمعة الدمشقیة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۴۱۸ق)، روضة البهیة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۵. صافی، محمود بن عبدالرحیم، (۴۱۸ق)، الجدول فی اعراب القرآن، بیروت: دار الرشید.

۲۶. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.

۲۸. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: المكتبة المرتضویه.

۲۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۹۰ق)، الاستبصار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۰. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۱. عراقی، ضیاء الدین، (۱۴۱۴ق)، شرح تبصرة المتعلمین، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

۳۲. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۷ق)، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، قم: فقاہت.

۳۳. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۱۸ق)، کتاب الحج، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

۳۴. فاضل لنکرانی، محمد، (بی تا)، تعلیقات علی العروة الوثقی، قم: انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).

۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، قم: دارالکتب الاسلامیه.

۳۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۶ق)، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۳۷. مرتضوی، سید حسن (۱۳۸۷)، درس خارج فقه، نشانی اینترنتی:

<https://eshia.ir/feqh/archive/text/mortazavi/feqh//۸۷۱۱۱۵/۸۷>

۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۱ق)، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع).

۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، (بی تا)، استفتائات، دفتر معظم له، نشانی اینترنتی:

<https://www.makaremshirazi.net/main.aspx?typeinfo=214677>

۴۱. موسوی عاملی، محمد علی، (۱۴۱۱ق)، مدارک الاحکام، بیروت: انتشارات آل البيت (ع).

۴۲. مؤمن سبزواری، محمدباقر بن محمد، (بی تا)، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، بی جا، بی نا.

۴۳. نجفی، محمد حسن، (بی تا)، جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۴۴. نراقی، مولی احمد، (۱۴۱۸)، مستند الشیعه، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.

۴۵. نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت: انتشارات آل البيت.

۴۶. یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۰۹ق)، عروة الوثقی، بیروت: انتشارات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۴۷. یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۱۹ق)، عروة الوثقی محشی، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

نسخه پیش از انتشار